



استاد حوزه قم: امام خمینی(ره) سیر تاریخ را تغییر داد

استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه امام خمینی(ره) سیر تاریخ را تغییر داد، گفت: تشکیل حکومت اسلامی که راه مبارزه با ظلم و اجرای عدالت است، یکی از احیای‌های امام (ره) است.

استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه امام خمینی(ره) سیر تاریخ را تغییر داد، گفت: تشکیل حکومت اسلامی که راه مبارزه با ظلم و اجرای عدالت است، یکی از احیای‌های امام (ره) است.

بازسازی و احیای تفکر دینی، یکی از مقوله‌هایی است که از گذشته‌های دور، مورد توجه احیای‌گران دینی بوده است. این مقوله به جهت هدفی که دنبال می‌کند، امری شریف و ستودنی است چرا که در پی صیانت از دین و دینداری است. به عبارت دیگر از آنجا که بازسازی اندیشه دینی، به کالبد شکافی دین از حیث موانع و چالش‌های رشد و بالندگی آن مربوط می‌شود و در واقع فرآیند احیای دین و تفکر دینی را در برهه‌ای که دین، دچار آسیب‌ها و تحریف‌هایی در عرصه نظری و عملی می‌گردد، به عهده دارد مورد توجه شرع بوده و امری ضروری است.

با یک نگاه تاریخ‌گرایانه در می‌یابیم که تاریخ، معرف افراد بزرگی است که در برهه‌های مختلف به احیای تفکر دینی پرداخته‌اند. دوران معاصر نیز احیای‌گرانی داشته و دارد که موفق‌ترین احیای‌گر مسلمان دوره معاصر، بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد.

از این رو به مناسبت سالگرد وفات این احیای‌گر بزرگ، گفتگوی مشروحی را با حجت الاسلام و المسلمین حسن رضایی مهر از اساتید حوزه علمیه قم پیرامون مبانی احیاء و بازسازی تفکر دینی از نظرگاه این مرد الهی، انجام داده‌ایم که متن کامل آن در پی می‌آید:

*به عنوان اولین سوال لطفا بفرمایید احیای‌گری به چه معناست و چه منظوری از آن داریم؟

احیاء به معنای زنده کردن است. از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که احیاء جان بخشیدن به کالبد بی‌جان و بی‌روح است و آن چنان است که اگر صورت نپذیرد آن موجود از بین می‌رود نه این‌که می‌ماند اما فعالیت معیوب و ناقص داشته باشد، بلکه عدم احیای او یعنی مردن و از بین رفتن او، همچنان که هرگاه روح در کالبد بی‌جان جاری نگردد، آن کالبد دارای روح نبوده و زنده نخواهد بود.

از طرفی احیاء از امور اضافیه است که محتاج متعلق است یعنی بدون تصور طرف و متعلق، تصور احیاء معقول نیست. مانند احیای یک تفکر، احیای ورزش همگانی، احیای زندگی و... لذا تعلق احیاء به هر امری ممکن است از جمله به دین و تفکر دینی.

*چگونه می‌توان در مورد دین، همین معنا از احیاء را به کار برد؟

احیاء اگر متعلقش، دین باشد نمی‌توان به ظاهر معنای احیاء تمسک کرد چرا که متعلق احیاء به حسب مفهوم آن، آنچنان است که هم می‌تواند بمیرد و هم می‌تواند زنده شود و دین از بین رفتنی نیست و مردن دین تصور معقول و مثبت ندارد. پس مراد از احیای دین، زنده کردن آن پس از مردن و از بین رفتن دین نیست بلکه منظور زدودن موانع و گرد و غباری است که بر چهره دین نشسته و مانند ابری، نورانیت آن را می‌گیرد و یا کم‌رنگ می‌کند.

پس می‌توان گفت: منظور از احیاء یا بیداری به طور عموم، توجه کردن به جنبه‌هایی است که دچار غفلت یا فراموشی یا تحریف شده‌اند. برای مثال یک مکتب فکری را در نظر بگیرید که در بعضی جنبه‌ها مورد توجه است، در حالی که جنبه‌های دیگر آن به طور کلی به دست فراموشی سپرده شده که در نتیجه، پوششی از غفلت و فراموشی، آن مکتب را در بر می‌گیرد.

شخصیت‌هایی که منجی جوامع انسانی هستند، جنبه‌های فراموش شده یک مکتب فکری را احیاء و شکل جدیدی به آن می‌بخشند و به جامعه مرده خود، روح تازه‌ای اعطا می‌کنند. از این رو احیای دین در جایی مطرح و در جامعه‌ای کاربرد دارد که اندیشمندان دینی و دینداران اندیشمند، در تلقی و برداشت خود از دین برخطا باشند و از اساس راه را اشتباه ببینانند.

*احیای‌گر دینی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

هر کاری که تخصصی را می‌طلبد، واگذاری آن به عنصر غیر متخصص، اولاً امری غیر معقول است و ثانیاً پیامدهای جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. و نه تنها آن کار به سرمنزل مقصود نمی‌رسد بلکه چنین‌گزینشی موجب انحراف و تباهی آن می‌گردد.

احیای‌گری نیز از این مقوله مستثنی نیست. احیاء دین، وظیفه افرادی است که دین را به خوبی می‌شناسند و به مقتضیات زمان و مکان آگاهند و صلاحیت درک حقایق و صداقت و فرق بین آنها و ضلالت و گمراهی‌های زمانه را دارند و همچنین قدرت تشخیص واقعیت‌ها و بدعت‌های زمان را دارند و دیگر اینکه بتوانند گرد و غبار تحریف را بر چهره دین ببینند و تشخیص دهند.

حضرت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود: «#171؛ إذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله» اگر در امت من بدعت‌ها ظاهر شوند، بر عالم لازم است که علم خود را آشکار کند که اگر چنین نکرد، لعنت خدا بر او باد.

*در مورد احیای‌گری امام خمینی (ره) توضیح دهید.

در قرون اخیر، احیای دینی توسط افرادی از قبیل سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید آیت‌الله مدرس، سید قطب پی‌گیری شد اما به وسیله حضرت امام خمینی (ره) به اوج خود رسید. «عمادبزی» در مقاله مبادی و اصول احیای دین بر مبنای اندیشه امام خمینی (ره) می‌نویسد: عظیم‌ترین و موفق‌ترین احیای مسلمان دوره معاصر بی‌شک امام خمینی است که با اعلان دوره‌ای جدید، سیر تاریخ را تغییر داد و با فرستادن نیروهای جدید به میدان انقلاب تغییرات عمیقی به وجود آورد که عمق آنها را نسل‌های آینده بهتر درک خواهند کرد.

* شیوه احیای امام خمینی (ره) چگونه بوده است؟

امام خمینی (ره) برای ترویج و گسترش و احیای اندیشه اسلامی، سیره محمد و آل محمد - صلی الله علیه و آله - را سرلوحه کار خود قرار دادند و در نتیجه به برخی از تعلیمات اسلامی که بی‌تحرک شده بود، روح و جان تازه‌ای بخشیدند. به همین جهت، امت اسلام بدون توجه به اختلاف میان گروه‌ها و فرقه‌ها، اندیشه‌های امام خمینی (ره) را پذیرفتند و بدین ترتیب یکی از بارزترین و پرخروش‌ترین جنبش‌های اسلامی (انقلاب اسلامی) در جهان به وجود آمد.

* موانع و مشکلات موجود در راه احیای دین و تفکر دینی از منظر امام خمینی (ره) را در چه می‌دانید؟ مطلب خیلی مهمی است که دست کم به مواردی اشاره می‌کنم: عدم احساس استقلال ملت‌ها و خودباختگی آنها در برابر بیگانگان: سلطه فراگیر فرهنگ غرب و شرق بر جوامع اسلامی و باوراندن این‌که چنین جوامعی نمی‌توانند بدون اتکالی بر فرهنگ غربی و شرقی به حیات خود ادامه دهند و از طرفی تأثیرپذیری برخی روشنفکران داخلی از این فرهنگ‌های بیگانه، این باور را در آنها به وجود آورد که بدون این قدرت‌های بیگانه، نمی‌توانند زنده باشند و یا حق حیات برای آنها ثابت نیست و این باعث جان‌نشینی فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ دینی و نقطه انحراف از احیای ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - گردید.

امام خمینی (ره) در این زمینه فرموده است: «یکی از مصیبت‌های بزرگی که برای ملت بار آوردند این‌که ملت را نسبت به خودشان هم بدبین کردند. به این معنا که ما اگر یک مریض پیدا کنیم در تهران، الآن هم می‌گویند که اینجا نمی‌شود، بروید به انگلستان، بروید به پاریس، این مطلبی است که از دست آنها برای ما پیدا شده است یعنی ما خودمان را باختیم در مقابل آنها. و بر این مسئله گوشزد می‌فرمایند که: «آن خودباختگی‌هایی را که دولت سابق و دولت‌های سابق داشتند و چشم‌گو بودند... آنها دیگر نباید باشد.»

ایجاد اختلاف در جوامع مسلمین توسط قدرت‌های بیگانه:

بعد از جنگ‌های صلیبی، غربی‌ها برای جلوگیری از قدرت مجدد مسلمانان و گسترش اسلام در قلب اروپا، بهترین چاره را تقسیم امپراطوری اسلام به کشورهای متعدد دیدند.

استعمار نو نیز با همین روش و ترویج ناسیونالیسم و با ایجاد درگیری‌های قومی و نژادی، در بین مسلمین، آنها را از توجه به حرکت خزنه در غارت و تاراج سرزمین‌های اسلامی منحرف گردانید.

حضرت امام خمینی (ره) با تشخیص این توطئه در جای جای پیام‌ها و سخنرانی‌های خود، نسبت به این امر هشدار داده، به عنوان نمونه می‌فرماید: «آمریکا و شوروی برای تضعیف اسلام و دولت‌های اسلامی، مشغول فعالیت از قبیل تفرقه‌افکنی و ایجاد تشنجات داخلی به دست عمال مزدور یا فریب خورده و برافروختن جنگ بین کشورهای اسلامی و مستضعف جهان هستند.»

تجگرایی و مقدس‌مآبی و عدم درک زمان و مکان: یکی از معضلات عمده در باب احیای دین و اندیشه اسلامی وجود تجرگریان و مقدس‌نماهای وابسته است.

امام خمینی (ره) گوشزد می‌کند که خطر چنین افرادی بسیار زیاد است. ایشان می‌فرمایند: «امروز عده‌ای با ژست مقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تجرگریان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمی کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند. اینها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن الله.»

برداشت‌های انحرافی از بعضی اخبار:

یکی دیگر از موانع احیای تفکر دینی در نهضت امام خمینی (ره) وجود برخی روایات و یا استنباط‌ها و برداشت‌های نادرست از روایاتی است که در منابع اسلامی آمده است از جمله روایاتی که پرچمداران قیام‌ها را طاغوت معرفی می‌کند و یا قیام‌های قبل از ظهور حجت را شکست خورده تلقی می‌نماید.

در حالی که تمسک به چنین روایاتی از چند جهت ممنوع است چرا که برخی مربوط به موضوع و حادثه شخصی بوده و بعضی از روی تقیه صادر شده و قسمتی هم برداشت غلط از آنها می‌شده است. غیر از همه اینها تمسک به چنین روایاتی با ادله قطعی عقلی و نقلی سازگاری ندارد چرا که آیات و روایات زیادی درباره امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه و جهاد با دشمن، عدم پذیرش ظلم و... وارد شده که با مفاد آن روایات در تعارض است. در هر حال این هم یکی از چالش‌های موجود، بوده که حضرت امام خمینی (ره) در مقابل آن بارها موضع‌گیری کردند.

ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «ممکن است فراوان، روایت را نشان بدهند که (به وسیله) اعمال ظلمه و آخوندهای درباری در تعریف و تمجید سلاطین جعل شده است. به طوری که ملاحظه می‌کنید با دو روایت ضعیف چه بساطی راه انداخته‌اند و آن را در مقابل قرآن قرار داده‌اند. قرآنی که حدیث دارد (که) بر ضد سلاطین قیام کنید و موسی - علیه السلام - را به قیام علیه سلاطین وا می‌دارد.»

و می‌فرماید: « نظر بعضی عامی‌های منحرف آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فراگیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، فانا لله و انا الیه راجعون»

تحریف بخشی از مفاهیم و آموزه‌های دینی:

یکی از آسیب‌ها که در انحراف جامعه اسلامی تأثیر بسزایی داشته، تحریف در آموزه‌های دینی است.

مثلاً توکل که در اسلام به آن سفارش شده و سازنده است، برخی آن را به معنای تبلیغ تنبلی و کسل بودن و تلاش نکردن تعبیر و یا تفسیر کرده‌اند و یا زهد را که به معنای دل‌نستن به دنیا است، به معنای رها کردن کار و تلاش در امور زندگی، گرفته‌اند و یا انتظار فرج که به معنای آمادگی برای نبرد بزرگ است را به انتظار نشستن و کاری نکردن و دست روی دست گذاشتن تلقی کرده‌اند و یا تقیه را که خود یک روش مبارزه برای حفظ دین و مذهب است به گونه‌ای معنا و تفسیر می‌کنند که مانعی در راه مبارزه برای حفظ اسلام و مذهب است.

حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: « تقیه برای حفظ اسلام و مذهب بود که اگر تقیه نمی‌کردند مذهب را باقی نمی‌گذاشتند. تقیه مربوط به فروع است مثلاً وضو را اینطور بگیر یا آن طور بگیر اما وقتی اصول اسلام و حیثیت اسلام در خطر است، جای تقیه و سکوت نیست.»

برداشت ناقص از حکومت اسلامی:

برخی عقیده دارند تشکیل حکومت اسلامی تنها وظیفه امام معصوم است. هر حکومتی جز حکومت معصوم - علیه السلام - ناحق است.

حضرت امام راحل (ره) در پاسخ به این نوع تفکر می‌فرماید: اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها، بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است... هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام شده، و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.

جدایی دین از سیاست:

از دیگر عوامل، تلقی جدا بودن دین از سیاست و ترویج آن است.

ریشه چنین تفکری به اروپا و پایان قرون وسطی برمی‌گردد. و پیدایش این تفکر در اروپا به منظور کم کردن و یا از بین بردن قدرت کلیسا و نیز فلسفه «اسکولاستیک» حاکم بر آن بود. بدیهی است وارد کردن چنین تفکری در فرهنگ اسلامی سزاوار نبوده و امری نابخردانه است چرا که اولاً، اسلام مانند مسیحیت موجود در تبیین جهان و قبض و بسط علم متحجرانه برخورد نکرده است. ثانیاً: در ایدئولوژی و حکمت عملی هم، روش مسیحیت را که تنها به حوزه اخلاق پرداخته و از حوزه‌های گوناگون دیگر غفلت کرده بود، نپذیرفته است و علمای اسلام نیز مانند علمای مسیحیت نبوده‌اند.

در هر حال جامعه مسیحیت برای کاستن مشکلات خود، سکولاریسم که همان دنیایی کردن دین و یا جدایی دین از سیاست را دامن زدند و با انگیزه‌های سیاسی به پخش و نشر آن پرداختند.

متأسفانه جوامع مسلمین نیز از خطر این نوع تفکر در امان نماند و بعضی از علما و روشنفکران مسلمان نیز به ترویج این تفکر پرداختند و اثرات نامطلوب آن هم بر این جوامع و جامعه اسلامی ایران هویدا گردید و این خود، ضربه سنگینی بر پیکره قدرت سیاسی اسلام وارد کرد که حضرت امام خمینی (ره) به مبارزه با این تفکر آمد و بارها و بارها بر عدم جدایی دین از سیاست و منحرف بودن کسانی که به این قضیه دامن می‌زنند، تصریح می‌فرمود.

تجدد خواهی روشنفکران متأثر از فرهنگی غرب و شرق:

تأثیرپذیری شتابزده از فرهنگ بیگانه و باور این که سعادت ما در گرو پذیرش شش دانگ و دربست فرهنگ و عملکرد بیگانه است در اثر هجوم افکار بیگانگان غربی و شرقی در کشورهای اسلامی بود. این عامل نیز یکی از مشکلات مهم در استقرار فرهنگ دینی بود که موجب انحلال عزت اسلامی می‌شد.

* بازسازی تفکر اسلامی از ناحیه امام خمینی (ره) چگونه انجام شد؟ به تعبیر دیگر مشخصه‌های جنبش احیای امام خمینی (ره) چه بود؟

بازسازی تفکر اسلامی از ناحیه امام خمینی (ره) در حوزه‌های مختلف نظری و عملی انجام شد که به برخی از این موارد اشاره می‌کنم: مبارزه با سکولاریسم و تلقی جدایی دین از سیاست:

حضرت امام خمینی (ره) با دوراندیشی خاص خود با این تفکر به مبارزه برخاست و تشکیل حکومت اسلامی از طرف ایشان، طلیعه مبارزه با این تز بود. ایشان از اول نهضت اسلامی تا زمان حیاتشان با تکیه بر معارف اسلامی و سنت نبوی و ائمه - علیهم السلام - و تلاش‌های فراوان، توانست مجدداً دین را در عرصه اجتماع و سیاست وارد کرده و پس از مدتی خمودی دین، آن را احیا نماید. ایشان در مباحث خویش بر این نکته تأکید می‌کند که شخص پیامبر - صلی الله علیه و آله - با تأسیس حکومت اسلامی بر توزیع عدالت مدیریت کرد و ریاست امور نظامی را بر عهده گرفت.

ضمن این که ضرورت استقرار چنین حکومتی به دوره پیامبر - صلی الله علیه و آله - محدود نمی‌شد، زیرا اسلام به هر زمان و مکانی قابل تعمیم است و این باور مشترک همه مسلمانان است به علاوه، پیامبر - صلی الله علیه و آله - ریاست جامعه اسلامی را بعد از خودش به امام علی - علیه السلام - سپرد تا همان راه را ادامه دهد و ایشان نیز به امامان بعد از خود سپرد.

در زمان غیبت کبرا نیز این وظیفه بر عهده علمایی است که به متون دینی آگاهند و قادرند احکام اسلامی را با تحقیق و تفحص در قرآن و سنت، استنباط کنند. این چیزی است که از آن به ولایت فقیه یاد می‌شود و باید آن را بزرگ‌ترین کمک امام خمینی (ره) به

جنبش اسلامي و اندیشه سياسي معاصر دانست. از کلمات گهربار امام راحل (ره) در این خصوص این‌که: «جدایی دین از سیاست را... استعمارگران درست کرده‌اند تا دین را از تصرف امور دنیا و تنظیم جامعه مسلمان برکنار سازند و ضمناً علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه آزادی جدا کنند. در این صورت می‌توانند بر مردم مسلط شده و ثروت‌های ما را غارت کنند.» و درباره سنت نبوی - صلی الله علیه و آله - می‌فرمایند: «پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - تمام عمرش را در امور سیاسی بود. تمام عمرش را صرف کرد در سیاست اسلامی و حکومت اسلامی تشکیل داد.» و نیز فرمودند: «بسیاری از احکام عبادی اسلام، منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی است. عبادت‌های اسلام، اصولاً توأم با سیات و تدبیر جامعه است. مثلاً نماز جماعت و حج و جمعه، در عین معنویت و آثار اخلاقی و اعتقادی، حائز آثار سیاسی است.» و بدین ترتیب پیوند دین و سیاست را پس از جدایی چند قرن غم‌بار، احیا کرد. و تشکیل حکومت اسلامی را که طریق مبارزه با ظلم و اجرای عدالت بود، می‌توان یکی دیگر از احیاء‌های آن بزرگ مرد تاریخ معاصر، دانست. ایشان در باب لزوم تشکیل حکومت اسلامی می‌فرمایند: «سنت و رویه پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله - دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است زیرا اولاً خود تشکیل حکومت داد... و ثانیاً برای پس از خود به فرمان خدا حاکم تعیین کرده است.»

ولایت فقیه:

یکی دیگر از مواردی که حضرت امام (ره) آن را احیاء کرد، مسئله ولایت فقیه است. مسأله ولایت فقیه، تنها در کتب فقهی بحث می‌شد. اما امام راحل (ره) با مطرح کردن دقیقتر آن و کاربردی کردن آن، مصداق حکومت اسلامی در زمان غیبت را مشخص کرد. ایشان پس از استدلال به ادله عقلی و نقلی بر ضرورت وجود حکومت اسلامی که در رأس آن، ولایت فقیه به عنوان قانون شناسان و دین شناسان است، محوریت حکومت اسلامی را به دست علما و دانشمندان دینی قرار داد و بدین وسیله توطئه اسلام منهای روحانیت را نقش بر آب کرد و فرمود: «اگر گفتند اسلام منهای روحانیت، بدانید با اسلام هم موافق نیستند. این را برای گول زدن می‌گویند... اسلامي که گوینده اسلامي ندارد، این اسلام نیست.»

تأسیس جمهوری اسلامی:

پس از اثبات و تثبیت حکومت اسلامی، مطرح شدن شکل حکومت اسلامی از سوی امام (ره)، خط بطلانی بود که بر افکار متأثر از فرهنگ بیگانه کشیده شد. یعنی کسانی که تلاششان در حذف کلمه «اسلامی» از جمهوری بود تا بدین وسیله انقلاب را به سمت دول شرقی و غربی بکشانند. امام (ره) با قاطعیت تمام در مقابل این تفکرات انحرافی به جمهوری اسلامی تأکید و اصرار کرد و فرمود: «شکل حکومت، جمهوری است. جمهوری به معنای این‌که متکی بر آرای اکثریت است برای این‌که متکی به قانون اسلام است و دیگر حکومت‌ها این‌طور نیستند که تکیه بر قانون اسلام داشته باشند.» و در جای دیگر فرمودند: «حکومت جمهوری اسلامی است و اساسش بر آزادی و استقلال کشور و عدل و تعدیل تمام دستگاه‌های دولتی است.»

اصل نه شرقی نه غربی:

علت شکست بسیاری از احیاء‌گران و جنبش‌های آزادیبخش در جهان اسلام، اصیل نبودن آنهاست به این معنا که این جنبش‌ها مفاهیم و راهبردهای خویش را از منابع غیر اسلامی اقتباس می‌کردند یا برخی افکار اسلامی را با ایدئولوژی‌های بیگانه که با مقتضیات زمان متناسب بود درهم می‌آمیختند. ولی حضرت امام (ره) با تکیه بر اصل نه شرقی و نه غربی بر نشأت گرفتن راهکارها و متدهای حکومتی از اصول و مبانی اسلام تأکید ورزید و بدین ترتیب غنای فرهنگ اسلامی را در جهت هدایت انسان در شؤونان مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی، احیا کرد.

نقش زمان و مکان در اجتهاد:

از آنجا که فقه، در واقع تئوری کامل اداره شؤونات انسان است، بایستی بتواند در حوادث و رویدادهای جدید جهانی، صاحب رأی و واکنش متناسب با آنها باشد. امام خمینی (ره) با توجه به این نکته و با اعتقاد به اجتهادی که بتواند در تمام شؤونات فردی و اجتماعی انسان و در عرصه‌های مختلف، متناسب با مقتضیات زمان و مکان، بپردازد، به احیای نقش این دو عنصر در اجتهاد پرداخت و همین امر در شکوفایی نهضت روشنگری او، نقش بسزایی داشت. ایشان در خصوص اهمیت توجه به این مسئله می‌فرمایند: «یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی، نقش زمانی و مکانی در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری است.» و باز در جمع اعضای تشخیص مصلحت می‌فرمایند: «شما در عین این‌که باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرع صورت نگیرد، و خدا آن را روز را نیاورد باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم اداره جهان نگردد.» ایشان زمان و مکان را به عنوان دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد، احیا کردند.

احیای برائت از مشرکین

احیاء حج ابراهیمی و برائت از مشرکان نیز از اندیشه‌هایی بود که با زمان و مکان پیش نرفته بود و امام (ره) آن را احیا کرد.

احیای اندیشه‌هایی که عمل نمی‌شد.

اندیشه‌هایی که در قالب تئوری مانده و جامه عمل پوشانده نشده بود، از قبیل امر به معروف و نهی از منکر، جهاد در راه خدا، فرهنگ

شهادت، نماز جمعه، و وحدت مسلمانان در برابر ظلم و ستم جهاني از نظر آن امام عزيز، دور نماند و مشمول نهضت احياء تفكر ديني او گرديد.

*امام خميني در زمينه وحدت و اتحاد مسلمانان با يكديگر هم احياگر بودند، درست است؟

در خصوص احياي وحدت اسلامي و فراخوان اتحاد اسلامي بايد گفت كه در دورههاي اخير هيچ يك از احياگران مسلمان به اندازه امام خميني (ره) به ايجاد وحدت اسلامي، اشتياق و اعتقاد نداشته است و روشهايي كه امام به منظور دستيابي به وحدت اتخاذ كرد، روشهاي گوناگوني بود از جمله: آگاهي دادن به مسلمانان درباره اين كه اختلافات آنها سطحي و جزئي است. ... ايراد سخنراني درباره اهميت رسيدن به وحدت و در واقع بازيافتن شرافت از دست رفته و شكست دادن استعمارگران و كسب استقلال واقعي... ايجاد جوي برادرانه به منظور بحث و تبادل نظر بين علماي شيعي و سني....
اميدوارم - ان شاء الله - بتوانيم پاسدار و ادامه دهنده واقعي راه و نهضت امام خميني (ره) باشيم.
گفتگو از حجت الاسلام وحيد واحدجوان